

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

بررسی مختصات زبانی کتاب آثار الوزراء

(ص ۱۲۶ - ۱۱۳)

خدیجه پاک سرشت (نویسنده مسئول)^۱، محمدرضا نجاریان^۲، مرجان امامی مقدم^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۴

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

«آثارالوزراء» کتابی است تاریخی به زبان فارسی در شرح احوال و کارهای مهم وزیران، تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقلی از نویسندگان ودبیران دربار تیموریان در سده نهم هجری. وی این کتاب را میان سالهای ۸۷۵ و ۸۹۲ ه. ق به نام و برای خواجه قوام‌الدین نظام‌الملک خوانی نوشته است. متن کتاب شامل دو مقاله است که مقاله اول مشتمل بر دوازده باب و مقاله دوم دارای چهار باب است. سؤال مهم درباره مختصات زبانی کتاب «آثارالوزراء» این است که این اثر تا چه حد ویژگیهای قرن نهم را داراست؟ آنچه به نظر میرسد این است که انشای کتاب «آثارالوزراء» به دلیل اقتباس مؤلف آن از کتابهای گوناگون، دارای سبکهای مختلف است. گاه سادگی و آراستگی و بلاغت شگفت‌انگیز ابوالفضل بیهقی و استادش بونصر مشکان رابه یاد می‌آورد و گاه سجعها و موازنه‌ها و صناعت‌های لفظی جامع التواریخ را از نظر میگذرانند. گاه نیز انشای آن به سبک رایج و معمول روزگار نویسنده نزدیک شده، وسست و ناهموار و ناپخته میگردد. درصد کاربرد لغات و ترکیبات عربی نسبت به کتابهایی که در قرن نهم تألیف شده - اندیشتر است و لغات مغولی و ترکی بندرت دیده میشوند. جملات بصورت کوتاه بیان شده و گاهی مواردی از اطناب در متن کتاب مشاهده میشود. در این مقاله سعی شده با تجزیه و تحلیل متن کتاب و با بهره جستن از پیشینه تحقیق به بررسی سطح زبانی (آوایی، لغوی، نحوی) گزیده‌ای از بابهای کتاب (جمعاً یکصد و شش صفحه) از کتاب «آثارالوزراء» پرداخته شود.

کلمات کلیدی:

آثارالوزراء، عقلی، قرن نهم، سبک، سطح زبانی.

۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد pa_pakseresht@yahoo.com

۲ - استادیار دانشگاه یزد reza_najarian@yahoo.com

۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد marjan_emami@yahoo.com

مقدمه:

«آثارالوزراء» از آثار نیمه دوم قرن نهم هجری تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی، به تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث) است. آثارالوزراء جزء نخستین کتابهایی است که در ترجمه حال وزیران کشورهای اسلامی تألیف شده. تا آنجا که اطلاع داریم، پیش از این کتاب، فقط یک کتاب به نام نسائم الاسحار درین باب تألیف شده است و همین کتاب نیز جزء مأخذهای مؤلف آثارالوزراء بوده و از آن در تألیف کتاب خویش بدان حد سود جسته است که به عقیده بعضی محققان «تقریباً کلمه به کلمه نسائم الاسحار را استنساخ کرده است.» (مقدمه، ص ب)

از آثارالوزراء نسخه‌های خطی متعددی در کتابخانه‌های خدابخش هند، موزه بریتانیا، آصفیه حیدرآباد دکن، بادلیان آکسفورد، دانشگاه کمبریج، دیوان هند در لندن، مجلس شورای ملی (سابق) و کتابخانه شخصی سعید نفیسی در دست است. این کتاب رامیر جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث) از روی نسخه خطی مجلس شورا به شیوه‌ای علمی و انتقادی تصحیح کرده و به سال (۱۳۳۷) در تهران منتشر ساخته است. متن نسخه چاپ شده، افزون بر مقدمه مصحح، شامل مقدمه مؤلف و دو مقاله به این شرح است: مقاله اول، در ذکر آثار و اخبار وزرای سابق مشتمل بر دوازده باب و مقاله دوم، در ذکر خواجه قوام‌الدین خوافی، وزیر سلطان حسین بایقرا، مشتمل بر چهارباب در اوصاف این وزیر و عنایات سلطان حسین بایقرا در حق اوست. (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، موسوی بجنوردی، ج ۱: ص ۵۱)

«آثارالوزراء» از نظر احتوا بر مطالب مربوط به وزراء و نیز اخبار تاریخی جالب و حادثه‌های شگفت‌انگیز زندگی آنان، خواندنی و قابل توجه است. سبک نگارش آن، به دلیل اقتباس از کتابهای گوناگون، یکدست و همسان نیست: گاه سادگی و آراستگی و بلاغت شگفت‌انگیز در آن مشهودست و گاه انشای آن مصنوع و همراه با لفاظی و عبارت‌پردازی است. (همان: ص ۵۱)

رسم الخط کتاب بدین صورت است که، پیشوند «می» به فعل بعد از خود چسبیده و به جای «ای نکره» از همزه بر روی کلمه استفاده شده و حرف «به» به کلمه بعد از خود چسبیده است. تقریباً تمام جملات کوتاه و با حرف عطف «و» آغاز میشوند. کلمات و ترکیبات عربی در متن کتاب فراوان و شعرهای عربی کم و بیش به چشم می‌خورد. فعلهای وصفی پی در پی هم در متن دیده میشود.

با آنکه مصحح محترم در تصحیح متن مغلوط و آشفته کتاب زحمت فراوان کشیده و برای آراستن آن به کتابهای گوناگون مراجعه کرده و هر قسمتی را از روی کتابی از خطا و آشفستگی پیراسته است اما باز هم در شیوه تصحیح و طرز کار ایشان جای اندک گفتگوی

باقیست که امیدست در طبع‌های بعدی کتاب اصلاحات لازم انجام شود و این شاهد زیبایی حجله فضل و ادب را آراسته‌تر و دلپسندتر سازد. (مجله سخن، محبوب: ص ۸۹۶)

جایگاه سبکی کتاب «آثارالوزراء» در میان آثار قرن نهم هجری چیست؟

شیوه پژوهش بصورت کتابخانه‌ای بوده، با بررسی درآثار رسیده نهم هجری و در نظر گرفتن ویژگیهای سبکی قرن نهم به تجزیه و تحلیل کتاب «آثارالوزراء» پرداختیم.

ضرورت تحقیق:

با توجه به اینکه در مورد نثر کتاب «آثارالوزراء» اطلاعاتی در کتب سبک‌شناسی ارائه نشده، و کتاب از متون نثر متفاوت قرن نهم هجری است، بنابراین ضرورت دارد که این کتاب معرفی و نکاتش تحلیل شود.

پیشینه تحقیق:

در باره کتاب آثارالوزراء تحقیقاتی پدید آمده، که بجز کتابهای تاریخ ادبیات و دایرةالمعارفها عبارتند از: ۱- مقاله آقای وقار حمدانی تحت عنوان «چند نسخه خطی نفیس موجود در استانبول». ۲- مقاله انتقادی دکتر محمد جعفر محبوب تحت عنوان «آثارالوزراء» ۳- مقاله دکتر مهدی محقق تحت عنوان «آثارالوزراء». ۴- مقاله ایرج افشار تحت عنوان «یادداشت» که در ذیل مقاله دکتر محقق قید شده است.

در زمینه مختصات سبکی کتاب تا بحال تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. در این نوشتار کوشش میشود با مطالعه و تحلیل متن کتاب و با بهره جستن از آثار یاد شده به بررسی مختصات زبانی که شامل سه سطح آوایی، لغوی و نحوی است پرداخته شود.

بحث

مختصات زبانی متن کتاب آثارالوزراء:

الف - سطح لغوی (lexical) یا سبک‌شناسی واژه‌ها:

ملاحظه و بررسی درصد لغات فارسی و عربی، لغات بیگانه مثلاً ترکی یا مغولی، کهن‌گرایی (آرکائیسم) از قبیل استعمال لغات کهن نزدیک به پهلوی یا لغات قدیمی مهجور پارسی، سره نویسی، اسامی بسیط یا مرکب، اسم معنی یا ذات، حروف اضافه بسیط یا مرکب، نوع گزینش واژه با توجه به محور جانشینی، وسعت یا قلت واژگان، مترادف، نوع صفت است. (کلّیات سبک‌شناسی، شمیس: ص ۱۵۴). اما ما در این مقاله ضرورتی برای طرح

تمام این مطالب نمی‌بینیم و فقط برخی مواردی را که به نحوی نسبت به نثر قرن نهم ابداع یا تازگی یا تفاوتی دارند، مطرح میکنیم.

أ - استعمال لغات پهلوی:

الف - اندر به جای در که در پهلوی هم *andar* بوده است:

تاهشیارم اندر طربم نقصان است چون مست شدم برخردم تاوان است (آثارالوزراء، باب هفتم)

ب - نزدیک به معنی نزد، که در پهلوی *nazdik* بوده است:

مرا ببرید به نزدیک آنکه مرا میطلبد. (همان، باب سوم)

اگر او بامداد به نزدیک من آمدی، من شبانگاه پیش او رفتمی. (همان، باب چهارم)

۲- استعمال برخی از کلمات عربی به جای فارسی معمول:

الف - از قبیل حرب به جای جنگ:

پس صاحب عبّاد بفرستاد و فائق را بفریفت تا در روز حرب غدر کرد. (همان، باب هفتم)

ب - مخصوصاً در مورد قیود و صفات واژه عربی بکار میبرند: صعب (به جای سخت)، عظیم (به جای بزرگ) که از ویژگیهای سبک خراسانی است که در دوره‌های بعد این کلمات در این مورد استعمال متروک شده است:

چون مصیبتی به شما رسد از آن **صعبتر** دردل آرید تا اندوه آن مصیبت بر دل کم گردد. (همان، باب اول)

اما ایوان آن را بگذار که آن اثری **عظیم** و شاهدی عدل است. (همان، باب چهارم)

ج - آوردن **خصم** هم به جای دشمن مرسوم بود:

و حسنک خود **خصم** بزرگ است. (همان، باب ششم)

اما چون **خصم** بزرگ حضرت سلطانست. (همان، باب ششم)

۳- استعمال لغت فارسی قدیمی (یزدان) به جای لغت فارسی (خدا) که امروزه

مرسوم است:

به بلخ گزین شد بدان نو بهار که **یزدان** پرستان در آن روزگار (همان، باب سوم)

کرد ناگه قهر **یزدان** عجز سلطان آشکار قهر **یزدانی** ببین و عجز سلطانی نگر (همان، باب هشتم)

۴- استعمال مصادر عربی بصورت صحیح عربی:

با بدان منشین که چون به سلامت از دست ایشان خلاص یابی بر تو منت جان نهند.

(همان، باب اول)

۵- ساختن مصدر با ی مصدری از کلمات عربی:

تا باشد که از این حادثه خلاصی یابیم. (همان، باب چهارم)

۶- آوردن صفات عربی با ی مصدری به جای مصدر عربی:

و کریمی که محتاج لثیمی گردد. (همان، باب اول)

و آن کس را که عمارت بدین عظیمی ساخته بود قهر کرد. (همان، باب چهارم)

۷- لغات در معانی خاص:

بیش به جای بیشتر:

این ویژگی تا قرن پنجم رواج داشته و از قرن ششم به تدریج کمتر شده است:

گفتم: اندیشه خداوند به همه حال راست باشد و بیش دم نازم.

(همان، باب ششم)

۸- آوردن لغات و ترکیبات عربی:

شریر، تردد، ماجرا، بیت المال، اتباع، خصومت، تضرع، حامل الذکر، داهی، اهلاک، تهوّر،

اهتمام، تبرع، مستخلص، سمعنا و اطعنا، عقبی، عفاف، نافذ الامر، اقران، مشایعت، تعرض،

تحرّض، تمکن،

بنظر میرسد که کاربرد کلمات عربی در آثار الوزراء بسیار زیاد است.

۹- کاربرد لغات و اسماء مغولی:

و بر سیل علامت به خط ایغوری التمغا و از یرلیغ چنگیزخان سوادی دادند.

(همان، باب نهم)

سید قبول کرد که دوپست تومان در عرض یک سال فرود آورد. (همان، باب دوازدهم)

۱۱- آوردن مترادفات:

عقیلی بر خلاف نویسندگان آثار مسجوع و متکلف کمتر از کلمات مترادف استفاده کرده

بطوری که نمیتوان آن را یک شاخصه سبکی به حساب آورد مانند:

و بدین ارشاد و هدایت تو تمام خشم از من دور شد. (همان، باب چهارم)

و خواجه شمس الدین صاحب دیوان که صیت سخا و عطای او در عالم مشهور است.

(همان، مقاله دوم)

ب- سطح نحوی (syntactical) یا سبک شناسی جمله:

بررسی جمله از نظر همنشینی و دقت در ساختهای غیر متعارف، کوتاه یا بلند بودن

جملات، کاربردهای کهن جملات، کاربردهای کهن دستوری از قبیل آوردن

یاء (یاء تمّتی، یاء گزارش خواب...)، آوردن دو حرف اضافه در پس و پیش متمم، مفعول و علامت آن، استفاده کم در آوردن را، فعل ماضی با «ب» آغازی، فعل مضارع بدون «می» و «ب»، فعل امر بدون «ب»، وجوه کهن ماضی استمراری، افعال پیشوندی، افعال مرکب، کاربردهای خاص ضمائر، صرف افعال کهن است. (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۵)

۱- آوردن واو عطف در آغاز کلام:

و این هارون خلیفه پنجم است و زینب خاتون دایه هارون بوده است. (همان، باب چهارم) بیشتر جملات با حرف «و» شروع میشوند.

۲- جمع :

الف - تمایل به استفاده از «آن» جمع در مقابل «ها» در کلمات عربی: به مدد عقل و کفایت ودانائی او آن جماعت متمرّدان سربه خطّ فرمان آورند. (همان، باب چهارم)

ب- حتی اسمهای معنی را هم با الف و نون جمع بسته است:

یحیی سوگندان میخورد که من جهد میکنم. (همان، باب چهارم)

۳- انواع «ی» :

الف- یاء شرط که به آخر فعل شرط و جزای شرط می‌افزودند و در قرن نهم چندان رایج نبوده است.

اگر نه آن بودی که خطا شدی چشم و رویش مجروح گشتی. (همان، باب چهارم)

واگر همه نیم سوره باشد از قرآن کریم بخوانی و ورد بر خود لازم کنی. (همان، باب هشتم)

ب - یاء صفت و موصوف:

بر سر هر دو یاء نکره می‌آورند، مانند:

شخصی امردی در میان ایشان بود. (همان، باب اول)

ج- یاء بیان نوع یا مبالغه:

و مرا گفت : خدا یار تو باد نیکو نصیحتی کردی. (همان، باب چهارم)

و اگر کسی به خلاف این ابواب پیش تو تقریری کند. (همان، باب هشتم)

درصد کاربرد یاء بیان نوع یا مبالغه در آثار الوزراء کم است.

۴- ضمیر:

الف- تغییر شناسه فعل دوم (حذف شناسه فعل دوم به قرینه لفظی):

از قبیل مفرد آوردن (افراد) فعل معطوف به جمع غایب که از ویژگیهای نثر خراسان تا قرن هفتم است.

پس بفرمود تا او را سیاست **کردند** و به زشتترین وجهی **بگشت**. (همان، باب سوم) و مدت مدید به وزارت قیام **نمودند** و املاک و اسباب گرد **آوردند** و در آخر آنرا مقید **ساخت**. (همان، باب دوازدهم)

ب- فعل جمله‌هائی که نهاد آنها یکی از این ترکیبات (هر که، هر کس، هر کسی) باشد در آثار دوره سبک خراسانی گاهی مفرد گاهی به صیغه جمع می‌آید:
و هر کس که در آن مجلس بود تعجب **کردند**، و آن تعظیم را از وی **نپسندیدند**. (همان، باب چهارم)

و در همه اوقات تازه‌روی و خوش خلق باشی تا هر کس به تو میل **کنند**. (همان، باب هشتم)

۵- قید:

استعمال قیودی از قبیل سخت، عظیم، بزرگ، بجای بسیار و فراوان و خیلی که امروزه مرسوم است.

اگرچه آن کس **سخت** عزیز باشد. (همان، باب ششم)

گفت: این احمد مردیست **سخت** کافی و کار دیده و کار آزموده و در کار راندن مرا بی‌درد سر میدارد. (همان، باب ششم)

و تصانیف او در علم طب اعتباری **عظیم** دارد. (همان، باب اول)

ه- قیدهای عربی که از ادبیات عربی وارد فارسی شده‌اند:

و آنچه دوش در آن بودیم **حرفاً بحرف** با او شرح دادم. (همان، باب چهارم)

چه رسم نبوده که اصحاب دیوان در دیوان هیچکس را **کائناً من کان** قیام کردند. (همان، باب چهارم)

۶- عدد:

کاربرد کهن عدد:

و دو هزار **هزار** درم از مال خود کابین دختر بداد. (همان، باب چهارم)

و به جنایت از اهل قزوین **هزار هزار** درم بستند. (همان، باب هفتم)

۷- انواع «را»:

۱- حرف اضافه:

الف - را به معنی از:

و او را استقبال نمودم. (همان، باب چهارم)

ب - را به معنی به:

در باب این مرد به راستی جواب ده و مرا خیانت مکن. (همان، باب ششم)

ج - رابه معنی برای:

دانشمندان را اسباب رفاهیت مهیا کرد. (همان، باب یازدهم)

د - «را» علامت اضافه (فک اضافه):

و تو ضد آن کرده و مرا دل خوش است. (همان، باب چهارم)

۸- آن و این با اسم نکره:

و میگفت: تو آن کسی که فرزندان من از تو ایمن خواهند بود. (همان، باب چهارم)

و این شکاری که بیست روزه مقرر کرده بودند. (همان، باب ششم)

۹- صفت تفضیلی:

صفت تفضیلی به معنی صفت عالی:

و از عهده آن به خوبتر وجهی بیرون آمد. (همان، مقاله دوم)

و در شهور سنه اثنی و خمسين منصب افضی القضاتی ممالک محروسه ضمیمه وزارت

او گشت. (همان، باب یازدهم)

۱۰- مفعول:

الف - گاهی قبل از مفعول «مر» می آوردند:

این مختصه در شعر ناصر خسرو به افراط دیده میشود. این (مر) در پهلوی نبوده است.

بهار حدس میزند که شاید (مر) از ادات احترام و در حکم حضرت و مولی بوده باشد، زیرا گاهی آن را قبل از مفعول می‌آورند و گاهی نمی‌آورند.

و این نام بزرگ است **مرامیر المؤمنین** را و سعادت شگرف که در دنیا موجب ثنای

جمیل است و در عقبی وسیله ثواب جزیل. (همان، باب چهارم)

۱۱- فعل جمع و مفرد:

قانون مطرّدی وجود نداشته است و برای فاعل جمع، هم فعل مفرد می‌آوردند و هم

جمع، همینطور برای فاعل جمع هم فعل جمع می‌آوردند و هم مفرد:

میباید شخصی به اطراف و اکناف عالم سیاحت کرده باشید پیدا کنید. (همان، باب اول)

۱۲- فعل مضارع:

الف - استعمال صیغه‌های مضارع شایستن و بایستن در مفهوم تام نه ناقص که از اواخر قرن پنجم از میان رفت:

و گفت: شاید دولت او را بدین امر رهنمائی کرده چیزی معلوم نموده باشد که دیگری نداند. (همان، باب اول)

و گفت: فضل و جعفر پسران تواند و وزارت رامیشایند. (همان، باب چهارم)
مرا از آن نان درگلو گرفت که چرا باید در ترکستان سخنی گویند و ما این جانانیم. (همان، باب هفتم).

۱۷- فعل امر:

الف - فعل امر بدون «ب»:

و مرا امر مطلق فرمود که عمرو را مقید گردان و محبوس کن. (همان، باب چهارم)
و از وصول مابقی هر عقوبت که ممکن باشد به تقدیم رسان. (همان، باب ششم)
ب- فعل امر با «همی» مستمر:

و به خلیفتی پدر کارهمی کن. (همان، باب چهارم)

ج- فعل امر پیشوندی:

از قبیل فروگوی، درآی. درحقیقت فعل امر از مصدر پیشوندی ساخته شده است:
گفت ترافرمودم که: کاربرین نبطی یعنی عمرو سخت فراگیر. (همان، باب چهارم)
تاریخ فوت او به تأمل از این برآر ایمن دلند خلق جهانی زدست وی (همان، باب دوازدهم)

۱۴- فعل ماضی:

الف - آوردن «ب» بر سرفعل ماضی:

گاهی پیش از صیغه ماضی تام جزء صرفی «ب» درمی‌آید. ادیبان ایران این جزء را گاهی «باءزینت» و گاهی «باءتأکید» لقب داده‌اند اما نه تعبیر اولی قابل قبول است (زیرا که هیچیک از اجزاء گفتار بیهوده و تنها برای آرایش لفظ بکار نمی‌رود) و نه تعبیر دومی یعنی تأکید که مستلزم شواهد صریح و فراوان برای اثبات است. (دستور تاریخی زبان فارسی، ناتل خانلری: ص ۷۹)

پس دوات بخواست و من پیش او بنشستم و مرانامه بفرمود. (همان، باب چهارم)

و در آن وقت که او را بگرفتند و به قید دو شاخ بر بستند. (همان، باب دهم)

ب- صیغه ماضی بایستن در بیان لزوم چیزی یا وقوع فعلی در زمان گذشته است و به صورتهای بایست و می بایست و بایست و می بایست بکار می‌رود مانند:

گفتم: یا امیر از عمر و مال بسیار مطالبه می بایست کرد. (همان، باب چهارم)

۱۵- مصدر:

الف - مصادر مرکب به جای مصادر جعلی:

از فهم مصدر قیاسی (فهمیدن) معمول نبود بلکه فهم کردن گفته می‌شد:

اردشیر فهم کرد. (همان، باب سوّم)

ب- فراوانی افعال پیشوندی:

فعلهای پیشوندی در پهلوی (پارسیک) فراوان بکار میرفته و استفاده از پیشوند فعلی

برای بیان معانی دقیق فعل رواج بسیار دارد.

گفت: خواهی که آنچه میان تو و امیرالمؤمنین رفت باز گویم. (همان، باب چهارم)

اما هر روز در باغ گذرگاه ملک به نظر درمی آمد. (همان، باب دوازدهم)

ردیف	انواع پیشوندهای فعلی	تعداد
۱	فعل با پیشوند (باز)	۴۵
۲	فعل با پیشوند (بر)	۴۰
۳	فعل با پیشوند (در)	۳۰
۴	فعل با پیشوند (فرا)	۲
۵	فعل با پیشوند (فرو)	۶
۶	فعل با پیشوند (فرو)	۶
	جمعاً	۱۲۹

ج- افعال پیشوندی در معنای خاص:

چون عبدالملک طعام بخورد رطلی شراب خواست و درکشید^۱. (همان، باب چهارم)

گفت: برنشینم^۲ و به خدمت خلیفه روم و دستوری خواهم. (همان، باب چهارم)

و چون درگذشت^۳ برخواست و به راه دیگر پیش آمد. (همان، باب هشتم)

د- افعال پیشوندی منسوخ با معانی متفاوت:

و یکی از آن جمله آن بود که گفت: روزی به خدمت مهدی درآمدم. (همان، باب چهارم)

۱- نوشید

۲- برنشستن: سوار اسب شدن

۳- درگذشتن، عبور کردن

تاآنکه پیش احمدبه زانودرآمد^۱. (همان،باب چهارم)
چندان که من آوازبرآورم^۲ آوازآب بازایستد. (همان،باب سوّم)
شترسربرآورد^۳ و حیران بماند. (همان،باب سوّم)
ه-فاصله افتادن میان فعل و پیشوند فعل:
کارایشان فرو نمی باید گذاشت. (همان،باب چهارم)
و- وجه مصدری:

پس از افعال شبه معین ، فعل بصورت مصدر بکار میرفته است (رک دستور مفضل .
فرشیدورد . بحث فعل)

از او چندین مردمی چگونه چشم توان داشت. (همان،باب چهارم)
دری از بحر بزرگی به کنارت آورد که چنان در نتوان یافت در اصداف دهور(همان،باب یازدهم)
این نام نیک را به زبان نباید آورد این سیرت را به دل نشایدکرد که امروز گذرنده
است. (همان،باب چهارم)

۱۶- فعل مجهول:

مجهول کردن با آمدن (نه شدن به سیاق امروز):
بهیچ وجه روا نباشدکه او را بدین گناه دست بازداشته آید. (همان،باب ششم)
و درکار خویش ممکن و سخنی که با وی گفته آیدنیکو بشنود و جواب آن تواند داد.
(همان،باب ششم)

ضابطه آن بود که اول از وزرای سلاطین غور ابتدا کرده آید. (همان،باب یازدهم)

۱۷- فعل دعائی:

از افعال دعائی امروزه فقط باد (مخفف بواد) باقی مانده است اما در قدیم صیغ مختلف
صرفی آن رایج بوده است:

احمد بن ابی داود گفت: یا امیر مبادا که چنین باشد.(همان،باب چهارم)
خدای تعالی بر ما رحمت و بر شما برکت کناد. (همان،باب دهم)

۱۸- لازم و متعدی:

الف- کاربرد فعل درمعنای کهن:

۱ - روی دو زانو نشستم

۲ - آواز دهم

۳ - سربلند کرد

ماندن به مفهوم متعددی به معنی باقی گذاشتن:
و چون به خدمت ایشان پیوندم و نان ایشان خورم خیانت ایشان نتوانم کرد اگر کنم بر
من چه اعتماد ماند. (همان، باب سوم)

و بیشتر از آن درم خرج کردم و اندکی از آن ماند. (همان، باب چهارم)
و سالهای بسیار قضای بغداد به نسل او بماند. (همان، باب هشتم)
فعل دو وجهی سوختن به معنای سوزاندن:
کتب حکمت و فلسفه و اقلیدس و هیئت و غیر آن هرچه اعتباری داشت از ایران به روم
فرستاد و باقی را بسوخت. (همان، باب اول)

۱۹- افعال در معنی اصلی یا کهن یا خاص :

خواستن به معنی مقاربه (نزدیک بودن):
دید که ماری سیاه آمده روی خود بر پای آن کودک میمالید خواست که آن مار را
هلاک کند. (همان، باب اول)

کشیدن به معنی کشاندن، سوق دادن:
و امروز جمله را پیش تخت سلطان کشیدم. (همان، باب هشتم)
گرفتن در معنی شروع کردن:
موسی در تحصیل آن مال و وصول آن قرض جد کردن گرفت. (همان، باب چهارم)

۲۰- افعال غریب و مهجور:

خار که دارد به زبان نیشتر هم به خلیدن شکند بیشتر
(همان، مقاله دوم)

۲۱- عبارت فعلی :

و بفرمود تا سلطان خواجه نظام الملک او را در نکاح آورد. (همان، باب هشتم)
مجدالملک رادرسنه اُحدی وثمانین وست مائه در موضع نوشهر به قتل آورد. (آورد به
معنی رساندست.) (همان، باب دهم)

۲۲- ایجاز یا کوتاهی جملات :

وزیر عمر بن الخطّاب بود و از کبار و مشاهیر و اعیان صحابه بوده است. (همان، باب دوم)
وزیر شاه شجاع بود و بغایت صاحب کمال بوده است و مرتبه عالی داشت. (همان، باب یازدهم)
تمام جملات به صورت کوتاه بیان شده است.

۲۳- تکرار:

در کتابهای سبک شناسی تکرار بصورت جزئی از جمله و معمولاً فعل است. اما در آثار الوزراء به این نتیجه رسیدیم که تکرار بیشتر در قیدست مانند: و فوج فوج از صغار و کبار دست مبارکش تقبیل نموده بیعت میکردند. (همان، باب چهارم) و من از آن حالت و خجالت پاره پاره از صدر فرو میخزیدم. (همان، باب چهارم)

نتیجه:

آثار الوزراء کتابی است تاریخی که سبک آن به سبک خراسانی نزدیک است با این تفاوت که برخلاف سبک خراسانی لغات و ترکیبات عربی بسیار زیاد دارد، همچنین مانند سبک خراسانی جملات به صورت کوتاه و ایجاز بیان شده در حالی که یکی از ویژگیهای قرن نهم اطناب است. با دقت در بررسی مختصات زبانی کتاب آثار الوزراء به این نتیجه رسیدیم که بارزترین ویژگیهای سه سطح (آوایی، لغوی و نحوی) از این قرار است:

الف- سطح آوایی: مشدد کردن کلمات، ابدال، حذف از کلمه.

ب- سطح لغوی: شامل استعمال لغات پهلوی مانند اندر به جای در و نزدیک به جای نزد، استفاده از کلمه عربی حرب به جای جنگ، استفاده از کلمات و ترکیبات عربی، لغات در معانی خاص مانند بیش به جای بیشتر، معانی متفاوت که، استفاده از صفات عربی به جای فارسی است.

ج- سطح نحوی: بیشتر جملات با حرف عطف «واو» آغاز و بصورت کوتاه بیان شده، تمایل به استفاده از «ان» جمع در مقابل «ها» در کلمات عربی، آوردن «ب» بر سر فعل ماضی، افعال پیشوندی، افعال مرکب با مصدر عربی بسیار بیشتر از فعلهای مرکب با مصدر فارسی است، همچنین درصد کاربرد فعل مضارع بدون «می» و «ب» بسیار بیشتر از فعل مضارع همراه با «می» و «ب» است.

فهرست منابع :

- ۱- احمدی گیوی، حسن، (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی فعل، چاپ اول، تهران، نشر قطره.
- ۲- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن، (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات فاطمی.
- ۳- بهار (ملک الشعراء)، محمد تقی، (۱۳۳۷)، سبک‌شناسی (تاریخ تطوّر نثر فارسی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج. ۳
- ۴- _____، (۱۳۸۰)، سبک‌شناسی بهار برای تدریس کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، به کوشش سید ابوطالب میر عابدینی، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
- ۵- خیام پور، عبدالرسول، (۱۳۳۸)، دستور زبان فارسی، چاپ سوم، تبریز، انتشارات چهر.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۷- ریپکا، یان، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابوالقاسم سرّی، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ج. ۲
- ۸- سمیعی (گیلانی)، احمد، (۱۳۸۵)، فرهنگ آثار ایرانی-اسلامی (معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر)، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ج. ۱
- ۹- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۴)، کلیات سبک‌شناسی، چاپ اول، تهران، نشر میترا.
- ۱۰- _____، (۱۳۷۳)، کلیات سبک‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۱- _____، (۱۳۸۷)، سبک‌شناسی نثر، چاپ دوازدهم، تهران، نشر میترا.
- ۱۲- صدر حاج سیدجواد، احمد و دیگران، (۱۳۶۶)، دایرة المعارف تشیع، چاپ اول، تهران، بنیاد اسلامی طاهر، ج. ۱
- ۱۳- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ج. ۴
- ۱۴- _____، (۱۳۶۲)، گنجینه سخن، به اهتمام سید محمد ترابی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج. ۶
- ۱۵- عقیلی، سیف الدین حاجی بن نظام، (۱۳۳۷)، آثار الوزراء، به تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- _____، (۱۳۶۴)، آثار الوزراء، _____، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۷- غلامرضایی، محمد، (۱۳۸۱)، سبک‌شناسی شعرپارسی (از رودکی تا شاملو)، چاپ اول، تهران، انتشارات جامی.
- ۱۸- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، دستور مفصل امروز، نشر سخن.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی